

کام ایر
 بالهای مطمئن

کام ایر بزرگترین شرکت هوایی خصوصی کشور در خدمت شما میباشد

- مهمانداران داخلی و خارجی
- شبکه وسیع پروازهای داخلی و خارجی
- طیارات مدرن
- خدمات عالی

4422 +93799974422
 (داخلی) (خارجی)

www.kamair.com

helpdesk@kamair.com

/ kamair

صدای مردم

هفته نامه

افغانستان

سال ششم/شماره ۲۴۵/یکشنبه/۳۱ سنبله ۱۳۹۸
 Sun/ 22 September, 2019/ Vol 06 / No. 245

خبر

دو فرمانده کلیدی و ۱۲ جنگجوی طالب در بادغیس کشته شدند

مقامهای محلی در ولایت بادغیس میگویند که در پی حملات هوایی نیروهای حمایت قاطع بر مواضع طالبان در ولسوالی بالامرغاب این ولایت ۱۴ جنگجو به شمول دو فرمانده کلیدی طالبان کشته و هشت جنگجوی دیگر این گروه زخمی شدهاند. عبدالغفور ملکز، والی بادغیس به روزنامه اطلاعات روز گفته است، که این حملات هوایی حوالی ساعت ۱۱:۰۰ شب گذشته (جمعه، ۲۹ سنبله) در ساحه‌ی خواجه ولسوالی بالامرغاب انجام شده است. آقای ملکز میگوید که عبدالعزیز و محمدگل، دو فرمانده کلیدی گروه طالبان در ولسوالی بالامرغاب نیز شامل کشته‌شدگان این حمله‌اند. ولایت بادغیس در شمال غرب کشور از ولایتهای ناامن می‌باشد که گروه طالبان در بخش‌هایی از آن حضور و فعالیت گسترده‌ی تروریستی دارد. به گفته‌ی والی بادغیس در ماه‌های اخیر جنگجویان گروه طالبان در این ولایت متحمل تلفات زیادی شده‌اند. آقای ملکز می‌گوید هم‌چنان گفته است، که نیروهای امنیتی و دفاعی به کمک نیروهای خارجی توانسته‌اند که شرایط برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری را در این ولایت مساعد نمایند. انتخابات ریاست جمهوری قرار است تا شش روز دیگر (ششم میزان) برگزار شود.

رونمایی از چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی ۳۴ ولایت افغانستان

وزیر اقتصاد، چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی ۳۴ ولایت کشور را به گونه رسمی رونمایی کرد. مصطفی مستور دیروز شنبه (۳۰ سنبله) در مراسم رونمایی چشم‌انداز اقتصادی ولایت‌های کشور در کابل گفت: «این چشم‌انداز به هدف داشتن یک منبع دقیق معلوماتی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی ولایت‌ها برای پالیسی‌سازان، پلان‌گذاران، پژوهشگران، تحلیل‌گران اقتصادی و اجتماعی، ادارات دولتی، موسسات غیردولتی، جامعه مدنی، نهادهای خیریه، دانشجویان و نویسندگان؛ تهیه شده است.» او افزود، پلان‌گذاران و پالیسی‌سازان می‌توانند با استفاده از این چشم‌انداز، برنامه‌های انکشافی خود را به صورت معیاری و دقیق طرح و ترتیب نموده و موثریت تطبیق فعالیت‌های انکشافی اقتصادی و اجتماعی‌شان را با نظرداشت وضعیت جغرافیایی ولایت مربوط، تحلیل و بررسی نمایند. مستور خاطر نشان کرد، چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی ولایات در هشت فصل ترتیب گردیده که در آن معرفی ولایت، وضعیت انکشافی ولایت، بودجه انکشافی ولایت و مصرف آن و تشریح خلاصه برنامه‌های ملی دارای اولویت و شاخص‌های عمده اقتصادی و اجتماعی ولایت مورد بحث قرار گرفته است. وزیر اقتصاد تصریح کرد که چشم‌انداز اقتصادی و اجتماعی ولایات هر سال تجدید چاپ می‌یابد و تلاش بر آن است که این اسناد در سال‌های پیش رو، قبل از بودجه‌سازی سالانه تکمیل گردد تا بودجه مطابق نیازمندی‌های ولایت‌ها ترتیب شود.

بازداشت طراحان حمله‌ی انتحاری در قلات ولایت زابل

در انفجار موتر بم‌گذاری شده در نزدیکی شفاخانه غیرنظامی قلات، دست کم ۳۵ تن جان باختند و بیش از صدتن دیگر زخمی شدند. وزارت دفاع ملی، می‌گوید که نیروهای امنیتی طراحان حمله‌ی انتحاری دو روز پیش بر شهر قلات، مرکز ولایت زابل، را بازداشت کردند. در یک خبرنامه وزارت دفاع ملی که دیروز (شنبه، ۳۰ سنبله) به رسانه‌ها فرستاده شده، آمده است که نه عضو گروه طالبان مشمول سه تن از افرادی که در حمله شهر قلات دست داشتند، در یک عملیات ویژه نیروهای کماندو و قطعات خاص پولیس در ولایت غزنی بازداشت شدند. در انفجار موتر بم‌گذاری شده در نزدیکی شفاخانه غیرنظامی قلات، دست کم ۳۵ تن جان باختند و بیش از صدتن دیگر زخمی شدند. طالبان، مسؤلیت این رویداد را به عهده گرفتند و ادعا کردند که یک مرکز امنیت ملی را در قلات آماج قرار دادند. وزارت دفاع ملی، هم‌چنان گفته است، که در عملیات نیروهای امنیتی در ولایت غزنی، سه تن از فراهم‌کنندگان مواد انفجاری در غزنی همراه با دو موتر نوع مازدای پر از مواد منفجره بازداشت شدند.

مقام ارشد کمیسیون مستقل انتخابات: دست‌های پنهان در صدد مهندسی انتخابات پیشرو اند



صفحه ۱

طالبان و رویای ناتمام رسیدن به قدرت



صفحه ۲

تلاش‌ها در جنوب-جنگ در شمال قندهار



صفحه ۳

غوغای انتخاباتی؛ آیا پروسه‌ی صلح از یادها رفته است؟



صفحه ۴

بررسی تعدد جرایم در کد جزای افغانستان

پوهیالی مهدی کاظمی

مقدمه

غالبن محتوای قوانین کشورها بیان‌گر نوع تفکر و اندیشه‌ی آن نظام‌ها نسبت به موضوعات حقوقی می‌باشد. به عبارت دیگر با مطالعه‌ی موضوعات حقوقی در چارچوب قوانین به راحتی می‌توان نوع سیاست حقوقی یک کشور را دریافت. هم‌چنین با بررسی این داده‌های حقوقی به‌روزشدن این داده‌ها را نسبت به داده‌های حقوقی همانند در قوانین سایر کشورها نیز می‌توان دریافت. به این معنی که آیا آن داده یا موضوع حقوقی همگام با زمان واقتضات جدید، خود را متحول نموده است یا خیر؟ یکی از گرایش‌های حقوقی که نسبت به سایر گرایش‌ها در طول دوران‌های مختلف تحولات و دگرگونی‌های زیادی را با خود همراه داشته و دارد موضوعات گرایش حقوق جزا و جرم‌شناسی می‌باشد. در این مقاله به مهم‌ترین موضوعات چون تعریف تعدد جرایم، تعدد جرایم از لحاظ مادی و معنوی که در کد جزای افغانستان به آن اشاره نموده است، می‌پردازیم. کلید واژه: تعدد، جرم، تعدد مادی، تعدد معنوی، کد جزا

گفتار اول: معنی و مفهوم تعدد جرایم

تعدد جرم عبارت از این است، که شخصی مرتکب چند فقره جرم، جدا از هم در زمان‌های مختلف شود، بدون آن‌که یک محکومیت قطعی فاصل بین آن‌ها باشد. اعم از این‌که مرتکب توانسته با توسل به هر ترفندی خود را از تعقیب کیفری مصون بدارد یا آن‌که از ارتکاب جرایم متعدد در فواصل کوتاهی از یکدیگر، مانع تحت تعقیب قرارگرفتن وی و در نتیجه



غوای انتخاباتی؛ آیا پروسه‌ی صلح از یادها رفته است؟

پس از توقف مذاکرات صلح میان امریکا و گروه طالبان، امیدها برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری افزایش یافت. حکومت وحدت ملی در اولین اقدام سیاسی‌اش پس از توقف مذاکرات صلح، طی یک اعلامیه‌ی مطبوعاتی اذعان نمود، که مذاکرات صلح باید براساس منافع کلان مردم و با حضور دولت افغانستان به‌پیش برده شود. هم‌چنان در این اعلامیه به برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در زمان تعیین‌شده‌ی آن تأکید گردیده و از تمامی نیروهای سیاسی کشور خواسته شده بود تا به این روند ملی احترام گذاشته و از آن حمایت کنند. اکنون پس گذشت پانزده‌روز از توقف مذاکرات صلح، تلاش‌های پیدا و پنهان برای از سرگیری آن بار دیگر افزایش یافته است. چهارشنبه‌ی هفته‌ی گذشته، حامد کرزی، رییس‌جمهور پیشین، ضمن محکوم کردن موضع حکومت وحدت ملی و شخص رییس‌جمهور غنی در قبال پروسه‌ی صلح، از تمامی جوانب ذی‌دخل در این پروسه، خواست تا مذاکرات از سر گرفته شود. به باور این مقام پیشین، طالبان تحت فرمان سازمان استخبارات و نظامیان پاکستان فعالیت دارند و اکنون فرصت مناسب برای قطع مداخلات پاکستان در امور سیاسی و امنیتی افغانستان فرا رسیده و لازم است تا تمامی شخصیت‌های ملی و کشورهای منطقه از پروسه‌ی صلح افغانستان حمایت کنند. هم‌چنین گروه طالبان پس از توقف مذاکرات صلح، در پیام‌های جداگانه‌ی شان، از تصمیم دونالد ترامپ اظهار ناامیدی نموده و آن‌را غیرمنتظره عنوان کرده‌اند. پس از تصمیم آقای ترامپ مبنی بر توقف مذاکرات، سران گروه طالبان برای از سرگیری این مذاکرات در کشورهای روسیه و ایران سفر نموده و با مقامات این کشورها در خصوص صلح افغانستان گفت‌وگو نموده‌اند. سهیل شاهین، سخنگوی دفتر سیاسی این گروه، هدف از این ملاقات‌ها را دستیابی به توافق منطقه‌ای پیرامون صلح افغانستان عنوان نموده و سفرشان را پر دست‌آورد خوانده است. در همین حال، سید اکبر آغا، عضو پیشین گروه طالبان، نسبت به از سرگیری و ادامه‌ی این گفت‌وگوها خوش‌بین بوده و معتقد است، که این گفت‌وگوها به هیچ‌صورت در این مرحله، متوقف نمی‌ماند. به باور این عضو پیشین امارت اسلامی، گروه طالبان و نمایندگان ایالات متحده‌ی امریکا، روی چگونگی خروج نیروهای امریکایی از افغانستان و بحث عدم استفاده از خاک این کشور علیه منافع امریکا، به توافق نهایی دست یافته و این توافق در ادامه‌ی مذاکرات نیز میان دو طرف حفظ خواهد ماند.

این همه در حالی است، که بنابر گزارش‌های منتشرشده از سوی برخی منابع اطلاعاتی، با وصف آن‌که متن نهایی توافق‌نامه میان گروه طالبان و نمایندگان ایالات متحده‌ی امریکا، برای تأیید و امضای نهایی آماده شده و قرار بود به‌زودی امضا شود، اما مخالفین این توافق‌نامه در کاخ سفید توانستند برای لغو و یا توقف این روند، زمان بیشتری را بدست بیاورند. مخالفین توافق با طالبان در دولت امریکا، با تلاش‌های سیاسی‌شان، رییس‌جمهور ترامپ را برای مدتی وادار به عقب‌نشینی نموده و توانستند فضای سیاسی را به نفع‌شان تغییر دهند.

اکنون با وصف آن‌که شماری از سیاست‌گران و تحلیل‌گران مسایل نظامی، معتقدند که مذاکرات صلح به‌زودی از سرگرفته خواهد شد، اما به نظر می‌رسد که حداقل به لحاظ زمانی تا بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری، امکان از سرگیری این مذاکرات وجود ندارد. با این حال، به نظر می‌رسد که رییس‌جمهور ایالات متحده‌ی امریکا، با توییت جنجال‌برانگیزش، دو هدف اصلی را نشانه رفته است؛ اولین هدف، اعمال فشار بیشتر دیپلماتیک بالای گروه طالبان است تا در میز گفت‌وگو از امتیازطلبی‌های بیش از حدشان دست کشیده و به آتش‌بس و الزامات مذاکره تن بدهند. دومین هدف آقای ترامپ از توقف مذاکرات، حمایت از افکار عمومی شهروندان امریکا برای جلب آرای بیشتر آنان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده است. ترامپ نمی‌خواهد که حمایت مردم امریکا را بخاطر امضای موفق‌نامه‌ی صلحی که با ابهامات مواجه است، از دست بدهد. او تلاش دارد تا در کنار پیشبرد پروسه‌ی صلح افغانستان، حمایت شهروندان کشورش را در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا با خود داشته باشد.

مقام ارشد کمیسیون مستقل انتخابات: دست‌های پنهان در صدد مهندسی انتخابات پیشرو اند

محمد نسیم نظری



به گفته‌ی آقای عبدالله استخدام‌های غیرقانونی در این نهاد و خویش‌خوری‌های بی‌حد و مرز مسوولان در انتصاب و عزل کارکنان، باعث گردیده است، که امیدها نسبت به شفافیت در پروسه‌ی انتخابات و نیز جلوگیری از بحران انتخابات‌های قبلی، کاهش یابد. این مقام ارشد کمیسیون مستقل انتخابات، ضمن اعتراف به کاستی‌ها و کم‌کاری‌های این نهاد در بخش‌های مدیریتی و عملیاتی، تأکید می‌کند که بخش عمده‌ای از این مشکلات متوجه دبیرخانه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات است. به گفته‌ی آقای عبدالله، رییس دبیرخانه‌ی کمیسیون مستقل انتخابات براساس علائق شخصی و تیمی خویش در استخدام‌ها و تعیینات مأموران این نهاد تصمیم گرفته و بدون مشوره با اعضای رهبری کمیسیون اجراء می‌نماید. هم‌چنین او تصریح نمود، که در این استخدام‌ها و تعیینات، دست‌های پنهان دیگری نیز در حال فعالیت است، که نمی‌گذارد تا انتخابات شفاف و قابل قبول در ششم میزان برگزار گردد.

این اولین بار نیست، که یک مقام ارشد کمیسیون مستقل انتخابات از وجود فساد گسترده‌ی اداری و عملیاتی در صفوف رهبری و اداری این نهاد پرده بر می‌دارد. چندی قبل نیز آقای عبدالله و برخی دیگر از کمیشنران کمیسیون مستقل انتخابات از دخالت‌های غیرمستقیم شماری از افراد بلندپایه‌ی حکومتی در تعیینات این نهاد انتقاد نموده و آن‌را زمینه‌ساز تقلب‌های گسترده و سازمان‌یافته عنوان نمودند. این در حالی است، که کم‌تر از یک هفته تا برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری زمان باقی مانده است.

براساس اطلاعات منتشرشده از داخل کمیسیون مستقل انتخابات، فهرست رأی‌دهندگان بدون این‌که به‌صورت اساسی تنظیم و دسته‌بندی شود و مشکلات املائی و تخنیکی رفع گردد، به مراکز انتخاباتی انتقال داده شده و روش بهره‌گیری از دستگاه‌های بیومتریک نیز نامشخص است. این در حالی است، که براساس قانون جدید انتخابات، استفاده از فناوری بیومتریک، مهم‌ترین اصل انتخاباتی افغانستان است. با این همه به نظر می‌رسد، که کمیسیون مستقل انتخابات در بخش‌های مدیریتی و عملیاتی دچار مشکلات و کاستی‌های فراوان است. زیرا به گفته‌ی مسوولان ارشد در این نهاد، در بیشتر از ۱۰ ولایت کشور تا کنون استخدام‌های انتخاباتی انجام شده و شماری دیگر از ولایات هنوز بدون کارمندان انتخاباتی به سر می‌برند.

با توجه به این مشکلات، به نظر می‌رسد که کمیسیون مستقل انتخابات برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو آمادگی کافی نداشته و نمی‌تواند این انتخابات را به‌صورت دقیق مدیریت کند. با توجه به کاستی‌های رهبری کمیسیون مستقل انتخابات، موارد زیر از مهم‌ترین مشکلات فراوری برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پنداشته می‌شود. ۱- ضعف مدیریتی: مسوولان ارشد این نهاد هنوز با زیربنایی‌ترین مفاهیم و اصطلاحات حقوقی انتخابات آشنایی نداشته و نمی‌دانند که بین اجراءات و پالیسی‌ها میان طرز‌العمل با مقرر تفاوت‌های حقوقی وجود دارد. مدیریت ضعیف در سطوح رهبری کمیسیون باعث گردیده است، که کارمندان این نهاد بدون توجه به حساسیت شرایط و اوضاع

سه‌شنبه هفته‌ی گذشته، کمیسیون مستقل انتخابات، در نشست ملی انتخابات، گزارش کاری‌شان را به احزاب سیاسی و نهادهای مرتبط به انتخابات ارائه کردند. در این نشست، حوا علم نورستانی، رییس کمیسیون مستقل انتخابات از پیشرفت‌ها برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری خبر داد. او تأکید کرد که رهبری کمیسیون تلاش دارد تا برای جلب اعتماد مردم، میکانیسم‌های موثر برای تضمین شفافیت پروسه‌ی ملی انتخابات، تعریف نموده و آن‌را در پیشبرد امور انتخابات در سراسر کشور استفاده نماید. او در بخش دیگری از صحبت‌هایش به دست‌آوردهای رهبری کنونی کمیسیون مستقل انتخابات اشاره نموده، افزود: «ما بیشتر از ۳۰ مقرر و طرز‌العمل را بررسی و نهایی ساخته‌ایم». به باور او، تصحیح این قوانین مهم‌ترین بخش کار این نهاد بوده، که می‌تواند زمینه‌ی مناسب برای اعتمادسازی و جلوگیری از تداخل کاری را در این نهاد فراهم سازد.

رییس کمیسیون مستقل انتخابات بر حضور گسترده‌ی زنان در بخش‌های کاری و اداری این نهاد تأکید کرد و وعده سپرد، که از تمامی امکانات و ظرفیت‌های موجود برای حضور زنان در روند ملی انتخابات در بخش‌های اداری و تخنیکی استفاده خواهد کرد. به باور او، زنان به‌عنوان بخش عظیمی از جامعه، مستحق اند تا از فرصت‌ها و ظرفیت‌های کلان ملی برخوردار بوده و در تعریف و توزیع منابع با مردان برابر باشند. پس از صحبت خانم نورستانی، مولانا عبدالله، کمیشنر کمیسیون مستقل انتخابات به پیشرفت‌ها و چالش‌های فراوری انتخابات ریاست‌جمهوری ۶ میزان پرداخته و به برخی از مشکلات در این نهاد اشاره نمود. آقای عبدالله، در صحبت‌هایش از پیشرفت‌ها و آمادگی‌ها برای برگزاری انتخابات در ششم میزان سال روان خبر داده و تأکید کرد، که کمیسیون مستقل انتخابات در هماهنگی با نهادهای مرتبط با این روند ملی و نهادهای امنیتی کشور، برای برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری پیشرو آمادگی دارند. او تصریح کرد، که کمیسیون مستقل انتخابات برای تضمین شفافیت و عدالت انتخاباتی، میکانیسم‌ها و کارشویه‌های را ایجاد و نهایی ساخته است، که می‌تواند به‌صورت اساسی به شفافیت کمک نماید. او از استفاده‌ی صحیح دستگاه‌های بیومتریک به‌عنوان دست‌آورد مهم و اساسی برای رهبری کمیسیون مستقل انتخابات یادآوری نموده و آن‌را در ایجاد شفافیت به پروسه‌ی انتخابات مؤثر خواند. هم‌چنین این مقام کمیسیون مستقل انتخابات افزود، که رهبری و تمامی بخش‌های عملیاتی و اجرائی این نهاد در هماهنگی با نهادهای مرتبط با انتخابات و نیز نهادهای بین‌المللی در تلاش اند تا از تمامی فرصت‌ها و ظرفیت‌های در دسترس استفاده نموده و برای سلامت انتخابات از آن‌ها کار بگیرند.

مولانا عبدالله اما در بخش دیگری از صحبت‌هایش از وجود فساد گسترده در رده‌های بلند عملیاتی و اجرائی این نهاد ابراز نگرانی کرده و آن‌را زمینه‌ساز یک بحران فراگیر و غیرقابل مهار برای مردم افغانستان عنوان نمود.

سیاسی کشور، هرکدام به دنبال تیم‌سازی‌های شخصی رفته و برای جذب منافع فردی و گروهی خویش تلاش نمایند.

۲- عدم هماهنگی میان هیأت رهبری کمیسیون مستقل انتخابات از مواردی دیگری است، که بر پیکر نیم‌جان این نهاد، صدمه‌ی جدی وارد نموده است. به‌عنوان مثال، رییس کمیسیون مستقل انتخابات هر نوع دخالت افراد بلندپایه‌ی حکومتی را در تصمیم‌گیری‌های این نهاد رد نموده و از تأمین شفافیت در پروسه‌ی پیشرو اطمینان می‌دهد؛ اما آقای مولانا عبدالله، به صراحت اعلام می‌نماید، که مشکلات جدی در سطح رهبری و تصمیم‌گیری‌ها در بخش‌های چون استخدام، مدیریت منابع مالی، کنترل و تفتیش و اجرای مقرره‌های داخلی وجود دارد. این تناقض آشکار گفتاری باعث گردیده است، که نهادهای مرتبط به انتخابات و شماری از متخصصین انتخاباتی، نسبت به شفافیت در پروسه‌ی پیشرو با دیده‌ی شک و تردید نگاه کنند.

۳- مشکلات جدی در بخش‌های تخنیکی هم‌چنان در درون این کمیسیون وجود داشته و مسوولین نتوانسته‌اند به این مشکلات رسیدگی نمایند. از میان انبوهی این مشکلات می‌توان به عدم دقت در تنظیم دستگاه‌های بیومتریک و ناقص بودن فهرست رأی‌دهندگان در محلات رأی دهی اشاره کرد.

۴- عدم استقلالیته کمیسیون مستقل انتخابات نیز باعث ضعف مدیریتی و عملیاتی در این پروسه گردیده و اعتماد عمومی نسبت به انتخابات را به شکل قابل توجه کاهش داده است. تا زمانی که مدیریت کنونی کمیسیون مستقل انتخابات، در بخش‌های عملیاتی و اجرائی از استقلالیته کامل برخوردار نشود، نمی‌تواند براساس اولویت‌های کاری‌شان تصمیم‌گیری نماید.

۵- مدیران کنونی کمیسیون مستقل انتخابات نتوانسته‌اند، اعتماد از دست‌رفته‌ی این نهاد را دوباره احیا نمایند. عدم اعتماد مردم به روند انتخابات، باعث کم‌رنگ شدن حضور آن‌ها در انتخابات خواهد شد.

۶- عمده‌ترین چالش، در کنار مشکلات دیگر، عدم تفکیک واضح میان پالیسی و اجراءات بوده، که می‌تواند، سرنوشت انتخابات را به‌صورت کلی با بُن‌بست مواجه سازد. رهبری کنونی کمیسیون مستقل انتخابات، فهم واضح و مشترک از پالیسی نداشته و هیچ تفکیک حقوقی میان این دو بخش ندارد. در حالی‌که بخش پالیسی‌سازی مربوط اعضای ارشد کمیسیون بوده و نیازمند تصمیم جمعی رهبری این نهاد می‌باشد اما بخش اجراءات تنها مربوط دبیرخانه‌ی این نهاد بوده که باید در زمان تعیین‌شده و براساس اولویت‌های کاری و اداری انجام شود. براساس اطلاعات در مدیریت کنونی کمیسیون مستقل انتخابات، دبیرخانه‌ی این نهاد بیشتر مصروف چانه‌زنی‌های سیاسی با تیم‌ها و سران احزاب سیاسی می‌باشد. حالا آن‌که، دبیرخانه، قلب عملیاتی در روند انتخابات بوده و باید بدون هیچ ملاحظه‌ای به وظایفش عمل نموده و تحت تأثیر فضای سیاسی قرار نگیرد.

تلاش‌ها در جنوب-جنگ در شمال قندهار

«کاروان کوچکی از وسایط نقلیه‌ی سو و وانت‌های تویوتا در امتداد جاده‌ی ناهموار خاکی، رو به سوی خانه‌های گلی بر فراز یک‌تپه‌ی کوچک داشت. کرایگ رییس تیم اکو، نخستین تیمی که در جنوب افغانستان فعال شد، در اتومبیل سوی پیش رو در چوکی کنار راننده نشسته بود. فرانک افسر شبه‌نظامی بخش فعالیت‌های ویژه‌ی ارتش که نقش معاون کرایگ را داشت، مشغول رانندگی بود و در حالی که سعی داشت تا با حفره‌ها و سنگ‌های درشت جاده برخورد نکند، آهسته خودش را نفرین می‌کرد.

کرایگ به سمت دسته‌ی کوچکی از خانه‌های پیش رو نگاه کرد و ذهنش به موضوع جلسه‌ی گذشته شد، که قرار بود ظرف دقایق آینده داشته باشد. حامد کرزی، مرد عجیبی بود، که به آسانی نمی‌شد ذهنیاتش را دریافت. او قد متوسطی داشت، باریک‌اندام بود و همیشه حتا در میدان جنگ، خوب لباس می‌پوشید و یک‌مرد واقعی بود. صورت لاغر، ریش اصلاح‌شده‌ی خاکستری‌رنگ و سر کچل وی به او هیأت یک‌استاد دانشگاه را می‌داد. تا یک رهبر قبایلی افغان که طرف‌داران خود را علیه طالبان بسیج می‌کرد.

کرزی نخستین چهره‌ی پشتون بود، که برای کمک به دولت امریکا برای سازمان‌دهی مقاومت مسلحانه علیه طالبان میان قبایل پشتون ساکن در جنوب داوطلب شده بود. او چند روز پس از حوادث یازدهم سپتامبر با مقامات امریکا، از جمله مأموران سی‌آی‌ای، در سفارت امریکا در اسلام‌آباد دیدار کرده بود. کرزی یک‌چهره‌ی شناخته‌شده بود، در سال‌های جهاد در جنگ علیه شوروی‌ها فعال بود و به‌عنوان مشاور سیاسی پدرش، که یکی از رهبران مورد احترام قبایل در ولایت قندهار به‌شمار می‌رفت، کار کرده بود. مخالفت خانواده کرزی با طالبان شدید و آشکار بود، به گونه‌ای که این امر به ترور پدر کرزی از سوی طالبان در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ منجر شد.

کرزی قدم پیش گذاشت تا جامعه‌ی سیاسی پدر خود را بر تن کند، و رفتار و سلوک آرام و باوقار وی، زبان انگلیسی عالی و مهارت‌های سیاسی‌اش او را به یک‌چهره‌ی سیاسی محبوب در میان جامعه‌ی افغان‌های مهاجر در پاکستان تبدیل کرد. کرزی طی اولین جلسات در اسلام‌آباد، تأکید کرد که می‌خواهد فورن به افغانستان، به ولایت ارزگان باز گردد و گروه‌های مقاومت مسلحانه را سازمان‌دهی کند. مشورت سی‌آی‌ای آن بود، که تا وقتی دولت امریکا شرایط را مساعد نساخته و برای وی و طرف‌دارانش تجهیزات، اسلحه و مهمات و حمایت هوایی فراهم نساخته است، او سفر خود را به تعویق بیندازد.

او تنها همراه با سه‌تن از حامیان سفر خود را از کوئته در جنوب‌غرب پاکستان، ابتدا در پشت یک کامیون باری سپس توسط موتورسیکلت آغاز کرد و از قلمرو تحت کنترل طالبان خود را به کوه‌های صعب‌العبور اطراف ترینکوت رساند. بسیاری از طرف‌داران قبیله‌ای‌اش جانب او را گرفتند. اما به دلیل نبود اسلحه و مهمات و نیز فقدان مکانیسمی برای دریافت کمک از بیرون تلاش‌های آغازین وی با مانع برخورد کرد.

طرف‌داران طالبان در منطقه به‌سرعت رهبری طالبان را در قندهار از آمدن کرزی مطلع ساختند و واکنش آن‌ها سریع و قاطع بود. یک عملیات تمام‌عیار نظامی برای یافتن و نابودی کرزی و نزدیکانش سازمان‌دهی شد. کرزی که اسلحه‌ی کافی در اختیار نداشت، از سازمان‌دهی لازم برخوردار نبود و طرف‌دارانش اندک بودند، در شرایط خطرناکی قرار گرفت. او و گروه کوچک حامیانش از کوه‌های دورافتاده‌ی شرق ترینکوت پس رو به جانب پاکستان کردند. آن‌ها در حالی که شب و روز تحت تعقیب طالبان بودند، به گونه‌ای خود را به مرز رسانده و از آن عبور کردند. چیزی نمانده بود که وی به سرنوشت مشابه عبدالحق دچار شود.

نخستین دیدار کرایگ با کرزی، در اواخر اکتبر، در کوئته و کمی پس از آن انجام شد که وی مأموریت یافت تا تیم اکو را در جنوب افغانستان سرپرستی کند. قرار بود اکو با کرزی کار کرده و به وی در آماده‌سازی پایگاهی برای حمایت از بازگشتش کمک و پرتاب اسلحه و مهمات را برای طرف‌دارانش از طریق هوا سازمان‌دهی کند. کرایگ و کرزی به سرعت هماهنگ شدند. کرایگ یک مأمور باتجربه‌ی بخش فعالیت‌های ویژه بود، که حدود بیست‌سال پیشینه‌ی فعالیت موفقیت‌آمیز در مجموعه‌ی عملیات شبه‌نظامی سی‌آی‌ای در اطراف جهان داشت.»

منبع: گری سی. شرون، ۱۳۹۳، مأموریت سقوط، ترجمه: اسدالله شفاپی، مرکز مطالعات صلح و توسعه، صص ۳۱۵-۳۱۷

بررسی تعدد جرایم در کد جزای...



هرگاه شخص مرتکب جرایم متعدد گردد و این جرایم با یکدیگر مرتبط نبوده و قبل از صدور حکم در مورد یکی از آن‌ها وحدت و هدفی که جرایم مذکور را با هم جمع کند موجود نباشد، محکمه به جزای پیش‌بینی‌شده‌ی هر جرم حکم می‌نماید و جزای محکوم بها یکی بعد دیگری بالای وی تنفیذ می‌گردد. مشروط بر این‌که در قانون به طوری دیگری اشاره کرده باشد.

شخصی که مرتکب دو جرم یا بیش از آن گردد و قبل از صدور حکم قطعی در مورد یکی از آن‌ها، وحدت هدف که جرایم مذکور را با هم جمع کند، موجود نباشد، به جزای پیش‌بینی‌شده‌ی هر یک از جرایم مذکور محکوم می‌گردد و جزای محکوم بها یکی بعد از دیگری بالای وی تطبیق می‌شود، مگر این‌که در قانون طوری دیگری پیش‌بینی گردیده باشد.

گفتار دوم: انواع تعدد جرایم

بخش اول) تعدد واقعی یا مادی جرم: تعدد مادی یا واقعی حالت مرتکب جرمی می‌باشد، که دست به ارتکاب چند عمل مجرمانه زده است و هر یک از آن‌ها جرم مستقلی محسوب می‌شود؛ ولی به خاطر هیچ‌یک از آن جرایم انجام یافته، مجازاتی در باره‌ی وی اجرا نشده است. به‌طور مثال فردی هم اقدام به جعل پول و هم تزویر اسناد دولتی می‌نماید بدون این که حکمی از سوی مقامات قضایی برای یکی از جرایم وی صادر گردیده باشد.

تعدد واقعی به یکی از صورت‌های ذیل که در ماده‌ی ۷۵ کد جزای افغانستان صریح به دو معیار از تعدد مادی اشاره می‌نماید. هرگاه شخص مرتکب جرایم متعدد گردد و این جرایم با یکدیگر مرتبط نبوده و قبل از صدور حکم در مورد یکی از آن‌ها وحدت و هدفی که جرایم مذکور را با هم جمع کند، موجود نباشد، محکمه به جزای پیش‌بینی‌شده‌ی هر جرم حکم می‌نماید و جزای محکوم بها یکی بعد دیگری بالای وی تنفیذ می‌گردد، مشروط بر این‌که در قانون طوری دیگری پیش‌بینی گردیده باشد.

اتفاق می‌افتد که مجازات هر کدام متفاوت با یکدیگر است. الف) جرایم ارتكابی مختلف باشد: در این صورت برای هر یک مجازات جداگانه تعیین می‌شود، به‌عنوان مثال چنانچه فردی بربی را میان جمعیت رها می‌کند و شماری را مجروح و مصدوم و به قتل می‌رساند و ضمن موجبات تخریب عمدی اموال دیگران را نیز فراهم می‌سازد. در این صورت نباید جرم را از مصادیق تعدد واقعی تصور نمود. بلکه از مصادیق تعدد معنوی به اعتبار فعل واحد و نتایج متعدد محسوب می‌گردد. (اردیلی، چاپ ۲۳، ج ۲، ص ۲۲۱، ۱۳۸۹).

ب) عدم موجودیت وحدت و هدفی که جرایم مذکور را با هم دیگر جمع نماید: به این معنا که هر جرم ارتكابی خود با هدفی مستقل از سوی مرتکب صورت گرفته باشد. لذا چنانچه مرتکب افعال متعددی را در راستای نیل به یک هدف انجام دهد، به حکم این ماده‌ی ۷۵ کد جزا موضوع از مصادیق تعدد مادی می‌باشد. به‌طور مثال فردی به قصد شورش علیه دولت، ضمن برهم‌زدن نظم عمومی اقدام به تخریب اموال عمومی نیز کند.

تعدد مادی زمانی است، که شخص واحدی، مجرم است و مرتکب افعال متعددی می‌شود؛ که هر کدام از این افعال جرم است، که سه‌حالت داشته باشد.

۱- زمانی که جرایم ارتكابی مختلف است، که در این صورت قاعده جمع مجازات‌ها حاکم است.
۲- زمانی که جرایم ارتكابی مختلف نیست (یکسان است) در این صورت مجازاتی مشده تعیین می‌شود.
۳- زمانی که یک جرم ارتكابی یک عنوان قانونی دارد در این صورت همان مجازاتی که قانون تعیین کرده است، مورد حکم قرار می‌گردد. (ساکي، ص ۳۶۴، ۱۳۸۷)

ج) تعدد جرم و جرم مرکب: جرایمی هستند، که تحقق آن‌ها مستلزم انجام چند عمل مادی مختلف یا چند جرم مختلف است و این قبیل جرایم را جرایم مرکب می‌نامند. جرم کلاه‌برداری نمونه‌ی بارز آن است، زیرا که تحقق آن مستلزم انجام دادن دوسری اعمال مادی است، استعمال اسم مجعول، سمت مجعول و مانورهای متقلبانه از یک‌طرف و تسلیم مال توسط اغفال شده اعم از سرمایه، اشیاء منقول، اوراق بهادار بانکی و امثال آن از طرف دیگر در یک چنین مواردی ملاحظه می‌شود، که به آن‌که رکن مادی این قبیل جرایم از اعمال مادی با طبیعت‌های مختلف تشکیل گردیده است ولی معهدا یک چنین جرمی را خواه از نظر دکترین و خواه از نظر رویه‌ی قضایی، جرم واحد محسوب می‌نمایند، نه جرم متعدد.

د) تفاوت تکرار با تعدد جرم: هرچند تکرار و تعدد جرم هر دو از علل عمومی تشدید مجازات به شمار می‌روند؛ اما دارای تفاوت‌های با یکدیگر می‌باشد:

تکرار جرم زمانی مصداق می‌یابد که مرتکب، قبل از ارتکاب جرم ثانوی، یک محکومیت قطعی یافته باشد؛ در صورتی که تعدد جرم در حالی است، که جرم اول تعقیب نشده باشد و یا در صورت تعقیب قبل از ارتکاب جرم ثانوی به محکومیت قطعی منجر نشده باشد.

در تکرار جرم فقط یک عمل ارتكابی است، که مورد مجازات واقع می‌شود در حالی که در تعدد جرم، جرایم ارتكابی متعدد مجرم مورد مجازات قرار می‌گیرد. در تکرار جرم، مجرم قبلن محکومیت جزایی پیدا کرده است، در حالی که در تعدد جرم ممکن است مرتکب، یک مجرم اولیه به شمار برود.

اگر شخص پس از محکومیت قطعی به یک جرم، مرتکب جرایم دیگری شود، موضوع هم مشمول تعدد است و هم تکرار لذا هر دو قاعده در مورد وی اجرا می‌شود.

گفتار چهارم: مجازات جرم تعدد

قانون‌گذار جزای افغانستان، در ماده‌ی ۷۵ کد جزا پس از بیان شروط تعدد حقیقی، مجازات آن‌را نیز پیش‌بینی نموده است، که البته اصل مجازات پیش‌بینی شده، تابع سیستم جمع مجازات‌ها است، منتها با اضافه‌نمودن شرطی که به نظر می‌رسد فقط یکی از ایرادات سیستم جمع مجازات‌ها را رفع نموده است، آن‌هم نوعی خاصی از مجازات.

هرگاه شخص مرتکب جرایم متعدد گردد و این جرایم با یکدیگر مرتبط نبوده و قبل از صدور حکم در مورد یکی از آن‌ها وحدت و هدفی که جرایم مذکور را با هم جمع کند موجود نباشد، محکمه به جزای پیش‌بینی‌شده‌ی هر جرم حکم می‌نماید و جزای محکوم بها یکی بعد دیگری بالای وی تنفیذ می‌گردد. مشروط بر این‌که در قانون به طوری دیگری اشاره کرده باشد. هم‌چنین در ماده‌ی ۷۸ کد جزا اشاره می‌نماید، که جزای نقدی، با رعایت حکم مندرج ماده‌ی ۱۴۲ کد جزا و تدابیر تأمینی به هر اندازه‌ای متعدد گردد، بالای محکوم علیه تطبیق می‌گردد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مواد فوق، سیستمی که این قانون از آن تبعیت نموده است، همان سیستم جمع مجازات‌ها است، که کد جزای افغانستان صریح به دو معیار مادی و معنوی از آن یاد نموده است.

تعدد مادی یا واقعی حالتی را می‌گوید، که مرتکب دست به ارتکاب چند عمل مجرمانه زده، که هر یک از آن‌ها جرم مستقلی محسوب می‌شود؛ ولی به خاطر هیچ‌یک از آن جرایم انجام یافته، مجازاتی در باره‌ی وی اجرا نشده است. در تعدد معنوی رفتار واحد مجرمانه از جانب مرتکب بروز می‌کند، که باعث نقض چندین ماده از قوانین جزا محسوب شده و به نظر چنین می‌رسد، که جرایم متعددی ارتكاب یافته است. مانند جرم استعمال مشروبات الکلی در اماکن و معابر عمومی.

منابع

- ۱- الهام، غلام‌حسین، منابع فقهی و حقوقی تعدد جرم، ناشر بشری، ۱۳۷۲
- ۲- اردیلی، دکتر محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیست‌سوم، ۱۳۸۹
- ۳- نور بها، دکتر رضا، زمینه‌ی حقوق جزای عمومی، ناشر گنج دانش، چاپ بیستم، ۱۳۸۶
- ۴- گلدوزیان، دکتر ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۸
- ۵- ساکی، دکتر محمدرضا، دوره‌ی مقدماتی حقوق جزای عمومی، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷
- ۶- کد جزای افغانستان، ناشر: وزارت عدلیه، ۲۵ ثور ۱۳۹۶



طالبان و رویای ناتمام رسیدن به قدرت

تا قبل از توییت دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا مبنی بر لغو مذاکرات صلح، انتخابات ریاست جمهوری کشور، با ناباوری و تردید دنبال می شد. دسته های انتخاباتی با بی میلی و شاید از روی ناگزیری کارزارهای انتخاباتی شان را به پیش می بردند. تکت های شامل در حکومت نیز وضعیت بهتر از دیگران نداشتند. در میان چنین فضایی، آینده ی پروسه ی انتخابات مبهم و نامعلوم دیده می شد و شهروندان این سرزمین از آینده ی کشور و از سرنوشت نامعلوم افغانستان پس از امضای توافق نامه ی صلح، نگران بودند. به بیان روشن تر، ابهام و تردید در پیوند به دو پروسه ی صلح و انتخابات، وضعیت پیچیده ی را به وجود آورده بود؛ نه در گفت و گوهای صلح افق روشنی دیده می شد و نه باورمندی حداقلی نسبت به شفافیت در پروسه ی انتخابات وجود داشت.

با تصمیم آقای ترامپ اما صفحه ی جدیدی در کشور گشوده شد. حملات نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان با حمایت نیروهای بین المللی در برابر گروه طالبان شدت یافت و انتخابات نه به عنوان یک گزینه در برابر مذاکرات صلح بلکه به عنوان تنها مسیری برای گذار مسالمت آمیز قدرت عینیت پیدا کرد. اکنون فرصت بی بدیل و ماندگاری برای آینده ی نظام جمهوری و ارزش های دموکراتیک و مردم سالارانه در کشور به وجود آمده است. قشر سیاسی، دسته های انتخاباتی، حکومت و مردم افغانستان روی برگزاری انتخابات به یک اجماع کلی رسیده و حامیان بین المللی افغانستان نیز ظاهران در امر دفاع از ارزش دموکراسی و مردم سالاری در کنار دولت افغانستان ایستاده اند. با این اوصاف، انتخابات به یک امر حتمی تبدیل شده است و گفت و گوهای صلح دیگر در اولویت امریکا و دولت افغانستان قرار دیده نمی شود.

در آن طرف ماجرا، طالبان قرار دارند؛ گروهی که تا قبل از توییت آقای ترامپ خواب و رویای رسیدن به قدرت سیاسی در افغانستان را می دیدند. نه ماه پیش، زمانی که گفت و گوهای صلح میان نمایندگان این گروه و هیأت مذاکره کننده ی امریکا آغاز شد، برخلاف خواست مردم افغانستان، گروه طالبان به موقف و جایگاه ویژه ی در مسئله ی جنگ و صلح کشور دست یافت. جریان گفت و گوها قبل از این که میزان تنش ها در افغانستان را کم کند و به یک راه حل مسالمت آمیز برای پایان دادن به سال ها جنگ و خشونت بینجامد، به طالبان فرصت داد، تا برای جنگ شان در سطح کشور و جامعه ی جهانی مشروعیت به دست آورند و از موقف بالاتری نسبت به گذشته، داعیه ی جهادشان را پی گیرند. برخلاف میدان جنگ، در داخل و خارج از کشور خواسته و ناخواسته ادعا می شد، که طالبان تغییر کرده اند و دیگر آن گروه دهشت آفرین و خشونت پیشه ی گذشته نیست.

میدان جنگ اما خلاف این ادعاها را نشان می دهد. تا این دم، طالبان چیزی غیر از ایجاد ترس و نمایش خون و خشونت، برای نمایش دادن نداشته اند. واقعیت این است، که در جریان سال های دهه ی نود میلادی، طالبان با جنگ اعلام حضور کرد، با جنگ و خشونت قلمرو تحت کنترلش را افزایش داد و از طریق جنگ، کابل پایتخت کشور را تصرف نمود. قرائت این گروه از دین، همان قرائت اسلام دیوبندی از دین اسلام بود است. امیر امارت اسلامی، با توسل به همین قرائت، امارت اسلامی را نظام شرعی و دینی افغانستان اعلام کرد و با تفسیر سخت گیرانه از دین، قوانین و مقررات امارتی را طرح و بر مردم به عنوان رعیت تطبیق نمود. جریان حاکمیت امارت اسلامی و جزئیات آن را تاریخ و مردم افغانستان به خوبی در حافظه ی شان سپرده و حفظ کرده اند.

در هژده سال اخیر، برنامه ی جهاد این گروه در برابر حکومت افغانستان، امریکا و کشورهای عضو پیمان ناتو با استفاده از شعارها و قرائت بنیادگرایانه و افراطی از دین به پیش برده شده است. اکنون با وصف آن که نمایندگان این گروه با جانب امریکا در دوحه ی قطر بارها گفت و گو

در آن طرف ماجرا، طالبان قرار دارند؛ گروهی که تا قبل از توییت آقای ترامپ خواب و رویای رسیدن به قدرت سیاسی در افغانستان را می دیدند. نه ماه پیش، زمانی که گفت و گوهای صلح میان نمایندگان این گروه و هیأت مذاکره کننده ی امریکا آغاز شد، برخلاف خواست مردم افغانستان، گروه طالبان به موقف و جایگاه ویژه ی در مسئله ی جنگ و صلح کشور دست یافت.

کرده و هیأت مذاکره کننده ی شان پس از لغو مذاکرات از سوی ترامپ به سوی مسکو و تهران رو آورده، جنگ جویان آنان در گوشه و کنار کشور، زیر نام عمل استشهادی و جهاد، در برابر نیروهای دولتی، موسسات عامه، نیروهای حمایت قاطع و مردم افغانستان، حملات انتحاری راه اندازی می کنند. جالب اما این است، که قربانیان اصلی و دایمی این حملات، جمعیت غیرنظامی و افراد ملکی هستند.

در ماه های اخیر، گراف تلفات افراد ملکی و غیرنظامی که شامل قشر بی طرف در جنگ می شوند، به دلیل تشدید حملات کور انتحاری گروه طالبان به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۰۱ رسیده است. این وضعیت مصداق عینی جنایت علیه بشریت و نقض تمامی قوانین و حقوق جنگ است. به بیان روشن تر، آن چه را طالبان این روزها زیر نام جنگ و جهاد برای آزادسازی کشور انجام می دهند، نسل کشی عریان و برهنه ی یک ملت و مردمی است، که جنگ دیرپای کشور زخم های فراوانی را بر جان آنان به یادگار گذاشته و روزهای پر درد و ظلمانی را بر آنان تحمیل کرده است. در این میان جالب است بدانیم، که طالبان به رغم تمامی ظلم های که بر مردم روا می دارند، رویای تشکیل دولت و یا در بدترین حالت شریک شدن در قدرت سیاسی افغانستان را در سر می پروراند و مدعی هستند که آنان بخش بزرگی از واقعیت سیاسی- اجتماعی افغانستان اند. در چنین وضعیتی، پرسش این است، که طالبان در گذر این سال ها و در دوران حاکمیت شان جز خون و خشونت، زورگویی، افراطیت و بنیادگرایی چه چیزی برای نمایش دادن داشته اند؟ آیا کسی، سازمان دولتی در حیطه ی جهان، به خاطر دارند، که از طالبان در جریان این سال ها چیزی غیر از جنگ و خشونت دیده باشند؟

وضعیت به گونه ای است، که عده ای از چهره های سیاسی و زلمی خلیل زاد که مسوولیت مذاکره با طالبان را به عهده داشت و دارد، جنگ طالبان و حملات کور انتحاری این گروه را که با هیچ اصل انسانی و بشردوستانه سر سازگاری

ندارد، نه تنها محکوم نمی کنند، بلکه آن را امتیازگیری این گروه در یک جنگ داخلی تفسیر می کنند. مشکل کار درست در همین جاست. مشروعیت بخشی به جنگ طالبان از چنین یک رویکردی صورت می گیرد و کشتار، بی رحمی ها و نسل کشی طالبان در ذیل همین باور، قباحت زدایی می شود. در حالی که همه به خوبی می دانند، که با نمایش خون و خشونت هیچ گاهی دولت ساخته نمی شود و جامعه و کشوری به صلح نمی رسد.

در دنیای جدید، پروسه ی دولت- ملت سازی، سازکارهای منحصر به فرد خودش را دارد. با زورگویی و آدم کشی دولت و حکومت ساخته نمی شود. با این وصف، هیچ نشانه ی خوب و امیدوارکننده در گروه طالبان به چشم نمی خورد، که نشان دهد، این گروه درایت، توانایی و ظرفیت ساختن و شامل شدن در یک اقتدار مشروع و مردم سالار را دارند. طالبانی را که مردم افغانستان می شناسند، به هیچ عنوان در فرایند پروسه ی مردمی سازی قدرت حل و هضم نمی شوند. ماهیت این گروه تعریف شده و روشن است؛ برای طالبان هیچ ارزش و مصلحتی خارج از تلاش برای رسیدن به قدرت اهمیت ندارد.

دهن کجی دیگری که از سوی عده ای از کنشگران صورت می گیرد، تبلیغات نرم برای گروه طالبان است. این کنشگران در سطح رسانه های همگانی ابراز امیدواری می کنند، که طالبان امروز از طالبان دیروز بسیار متفاوت اند و این گروه تغییر کرده است. تا دو هفته پیش، زمانی که تا هنوز مذاکرات صلح از سوی دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا لغو نشده بود، زلمی خلیل زاد، نماینده ی ویژه ی وزارت خارجه ی امریکا در هر فرصتی که پیش می آمد، از روند مذاکرات اش با نمایندگان طالبان ابراز خوش بینی و امیدواری می کرد و مدعی بود، که پس از امضای موافقت نامه ی صلح میان امریکا و گروه طالبان، صلح سراسری در افغانستان تأمین خواهد شد. هرچند پس از لغو مذاکرات، زلمی

خلیل زاد سکوت اختیار کرده، اما در صورت از سرگیری مذاکرات و بازگشت دو طرف (امریکا و طالبان) به میز مذاکره، باید از آقای خلیل زاد پرسیده شود، که او با طالبان روی آینده ی افغانستان چه تصمیم گرفته و براساس کدام نشانه ها امیدوار است، که پس از امضای توافق نامه، طالبان دست از خشونت و کشتار می کشند و تن به مردم سالاری و دموکراسی می دهند؟ تغییری که از آن حرف زده می شود، چیست؟

در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت، که در میدان جنگ طالبان تغییری نکرده و یا حداقل در رفتار این گروه تغییر مثنی دیده نمی شود. در عمل شیوه ی جنگ این گروه با خون و خشونت بیشتر از قبل همراه است. در گذشته تنها در جبهه ی جنگ و در مسیر شاهراه ها در اثر جنگ و حملات انفجاری این گروه افراد ملکی کشته و زخمی می شدند، حالا اما با تغییر تاکتیک جنگ این گروه شهرهای کشور و سیمای مردم این سرزمین هرروز خون آلود است. در حالی که در هیچ منطقی و در هیچ قانونی خشونت در برابر افراد غیرنظامی و بی طرف در جنگ پذیرفتنی نیست. با این اوصاف نمی توان تصور کرد، که به این زودی مذاکرات صلح از سر گرفته شود و طرف های درگیر در منازعه روی گزینه بازگشت به میز مذاکره، باهم دیگر توافق کنند. حالا در این طرف منازعه، مردم افغانستان فرصت آن را دارند، تا با چگونگی و شیوه ی مذاکرات صلح، تعیین تکلیف نمایند. این تعیین تکلیف می تواند با حضور در پای صندوق های رأی و نظارت جدی و دقیق از سلامت و شفافیت انتخابات آغاز و با اجماع داخلی روی گزینه ی دفاع از نظام جمهوری و ارزش های مردم سالارانه تکمیل شود. به نظر می رسد، راه دیگری نیست، زمان آن رسیده که مردم تصمیم بگیرند و با حضور جدی، موثر و نتیجه بخش در پای صندوق های رأی از یک سو یک «نه بزرگ» به طالبان بگویند و از طرف دیگر دستان پیدا و پنهانی که اراده ی دست برد به آرای مردم دارند، را از پشت ببندند.

جریان گفت و گوها قبل از این که میزان تنش ها در افغانستان را کم کند و به یک راه حل مسالمت آمیز برای پایان دادن به سال ها جنگ و خشونت بینجامد، به طالبان فرصت داد، تا برای جنگ شان در سطح کشور و جامعه ی جهانی مشروعیت به دست آورند و از موقف بالاتری نسبت به گذشته، داعیه ی جهادشان را پی گیرند.

